نقد مجازی نویسنده ایتالیایی در ایران

جلسه نقد و بررسی جهان جانی روداری به مناسبت یکصدمین سالروز تولد این نویسنده ایتالیایی، برپا شد. آن‌طور که ایسنا نوشته غلامرضا امامی، مترجم و دبیر مجموعه ترجمه آثار جانی روداری در ایران در ویژه‌برنامه «جهان جانی روداری» که به صورت مجازی به همت انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد، با گرامیداشت یاد پیروز ملکی که نخستین کتاب از جانی روداری را با عنوان «کیک آسمانی» به فارسی ترجمه کرد و چنگیز داورپناه برای ترجمه کتاب «روزی که در میلان از آسمان کلاه می‌بارید»، از چاپ چهار کتاب این نویسنده در یکصدمین سالروز او خبر داد و عنوان کرد: اگر ادبیات کودکان کارش بخشیدن لذت، شادی، بازی، آگاهی و آزادی به کودکان باشد، جانی روداری، قله این ادبیات است و بیهوده نیست که هر ساله در جهان میلیون‌ها نسخه از کتاب‌های این نویسنده که تنها برنده ایتالیایی جایزه جهانی آندرسن است، تجدید چاپ می‌شود؛ نویسنده‌ای که طول عمر نداشت؛ ولی عرض عمرش گسترده بود.

کریستوفر نولان در پشت صحنه فیلم تنت

بررسی و مروری گذرا بر آثار کریستوفر نولان و آخرین ساخته‌اش «تنت»

سفر عجیب جادوگر سینما

علی‌محمد کاظمی‌خالدی
روزنامه‌نگار

طی سال‌های گذشته نولان توانسته توجه سینماگران را به خود جلب کند، توجهی که گاهی به محبوبیت و صد البته گاهی هم به نفرت تبدیل شده است. چند سال پیش درک تامپسون، روزنامه نگار مشهور آمریکایی تحقیقاتی درباره کتاب، نقاشی، موسیقی، اختراعات، فیلم‌ها و انواع و اقسام آثار موفق انجام داد که نتیجه آن به شکل کتابی با عنوان موفق سازها یا Hit makers درآمد. تامپسون در این کتاب به یک تئوری جالب اشاره می‌کند وقتی که یک فیلم یا کتاب یا اثر موسیقیایی جایزه می‌گیرد، اغلب اوقات بین مردم به اوج محبوبیت قابل توجهی نمی‌رسد. او با اشاره به محبوب‌ترین‌های تاریخ در زمینه‌های مختلف، تئوری خود را محکم‌تر می‌کند. دلیل آن هم این است که مخاطب بعد از تعریف و تمجید زیاد از یک اثر، انتظاراتش از آن بالاتر از حد معمول می‌رود و وقتی فیلم نتواند انتظارات او را برآورد یا او را غافلگیر کند، راضی نمی‌شود. کم و بیش قصه نولان و منفور بودنش بین برخی سینمادوستان هم همین است. یکی دیگر از دلایلی که می‌تواند منجر به این قضیه شده باشد، روایت پست مدرن و غیرخطی نولان است که باعث پیچیدگی و تفاوت فیلم‌هایش می‌شود و این می‌تواند یکی دیگر از دلایلی باشد که بخشی از دنبال‌کنندگان دنیای فیلم‌ها از آثار او لذت نمی‌برند.

کوتاه درباره نولان

کریستوفر ج. نولان در ۱۹۷۰ در محله وست‌مینستر شهر لندن به دنیا آمد. شش سال بعد، جاناتان برادر کوچک‌تر کریستوفر به دنیا آمد. سرنوشت کریستوفر و جاناتان، حتی شبیه سرنوشت متئو، برادر بزرگ‌تر کریستوفر نبود. سال‌ها بعد در سال ۲۰۰۹، متئو به جرم گروگانگیری و قتل دستگیر شد؛ در حالی که جاناتان، فرزند سوم خانواده نولان، در نویسندگی و پردازش بسیاری از آثار کریستوفر از جمله ممنتو، پرستیژ، در میان ستارگان، شوالیه تاریکی و شوالیه تاریکی برمی‌خیزد نقش اساسی داشت.

فیلم‌های اول او، تعقیب (۱۹۹۸) و ممنتو (۲۰۰۰) باعث جلب توجه سینماگران شد. سپس او در یک همکاری با رابین ویلیامز و آل پاچینو فیلم بی‌خوابی (۲۰۰۲) را ساخت.

در سال ۲۰۰۵ نولان فیلمی جدید از کمیک بوک‌های مشهور بتمن را با بازی کریستین بیل و ستاره‌هایی دیگر از جمله لیام نیسون، مایکل کین، گری اولدمن، کیلین مورفی، مورگان فریمن و کیتی هولمز به نام «بتمن آغاز می‌کند» ساخت. همکاری نولان و بیل به همین جا ختم نشد و یک سال بعد او با اقتباس از رمانی نوشته خودش و جاناتان، فیلم پرستیژ را با بازی کریستین بیل، هیوجکمن و اسکارلت یوهانسون ساخت.

سال ۲۰۰۸ نولان، با توجه به موفقیت‌های چشمگیر بتمن آغاز می‌کند، بهترین فیلم ابرقهرمانی تاریخ یعنی شوالیه تاریکی را ساخت.

در سال ۲۰۱۰ نولان باز هم جادو کرد و یکی از بهترین فیلم‌های علمی-تخیلی تاریخ، یعنی تلقین را خلق کرد. این بار لئوناردو دیکاپریو بود که با ظاهر شدن در نقش کاب، به نولان کمک کرد تا با نمایش جادویی‌اش تماشاگر را هیپنوتیزم کند. در سال ۲۰۱۲ طرفداران را که بعد از شوالیه تاریکی برای قسمت آخر سه‌گانه بتمن انتظارات فراوانی داشتند، به خواسته‌هایشان رساند و فیلم شوالیه تاریکی برمی‌خیزد اکران شد.

دو سال بعد، در سال ۲۰۱۴، نولان فیلم دیگری ساخت. ردپای نولان در تک‌تک صحنه‌های «در میان ستارگان» دیده می‌شد. منتقدان فیلم را یک اثر نسبتا خوب می‌دانستند، اما نولان بازهم نظر تماشاگرانش را جلب کرد و آنها را یک بار دیگر به وجد آورد. برخی منتقدان اعتقاد داشتند تمرکز نولان بر جنبه علمی و فیزیکی فیلم، باعث شده بود ضعف‌هایی در پردازش شخصیت‌های فیلم نمایان شود، اما بازی متئو مک کانهی در نقش کوپر، تا حدودی آن ضعف را برطرف کرده بود. با این حال به عقیده خیلی‌ها این پایان ماجرا نبود. سال ۲۰۱۷ نولان فیلمی درباره جنگ جهانی اول با نام دانکرک ساخت. ایده ساخت دانکرک که تا امروز کوتاه‌ترین فیلم سینمایی نولان به حساب می‌آید، بر اساس یک داستان واقعی که روایتگر نجات معجزه‌آسای سربازان انگلیسی و فرانسوی از جزیره دانکرک بود، سال‌ها پیش، وقتی نولان به جزیره دانکرک سفر کرده بود به فکر او خطور کرد. در آن زمان، نولان هنوز فیلم بلندی نساخته بود. او شروع به نوشتن فیلمنامه کرد و به عمد، تلاش کرد تا جایی که می‌تواند دیالوگ کمتری بنویسد. فیلمنامه که در ۷۷ صفحه خلاصه شده بود، نولان را راضی کرد اما به خاطر عظمت پروژه و کمبود بودجه، تصمیم گرفت بعد از آن که چند فیلم بزرگ دیگر را کارگردانی کرد، دانکرک را بسازد. پس از سال‌ها فیلم اکران شد، ولی بخش زیادی از طرفداران به دلیل کمبود دیالوگی که نولان عمدا آنها را کم کرده بود، فیلم را در شخصیت‌پردازی ضعیف دیدند و آن را دوست نداشتند. این در حالی بود که بخش دیگری از طرفداران و عده زیادی از منتقدان، بر خلاف دسته اول، فیلم را به عنوان یکی از بهترین کارهای نولان قلمداد کردند. می‌شود گفت فیلم برای عده خاصی ساخته بود. به هر حال فیلم به دلیل ارائه نشدن فیلم‌های بزرگ در آن سال، توانست جایزه‌هایی کسب کند و به واسطه اسم و رسم تیم تولید فیلم فروش خوب ۵۲۶ میلیونی را تجربه کرد.

تنت و تمام انتظارات

داستان تنت را می‌شود یک ایده نه چندان تازه اما جذاب خواند. فیلم قابلیت فوق‌العاده بالایی داشت ولی نکته ناراحت کننده ماجرا اینجاست که نولان نتوانسته است که از نهایت توانمندی داستانی فیلم استفاده کند. با توجه به بازخورد مخاطبان، فیلم را احتمالا نمی‌توان شاهکار تلقی کرد، حتی به نظر خیلی‌ها تنت ضعیف‌ترین ساخته نولان است. پس اگر هنوز آن را ندیده‌اید انتظار فیلمی مثل تلقین یا در میان ستارگان را نداشته باشید، البته باید به این نکته اشاره شود که اگر فیلم‌های دیگر نولان شما را راضی کرده است، پیشنهاد می‌کنم فیلم را ببینید، چراکه به گفته خود نولان، تنت شخصی‌ترین ساخته اوست و تمام المان‌های شخصی سینمای نولان در فیلم به وضوح قابل دیدن است.

خلاصه داستان فیلم این است که یک مامور سی آی ای در تلاش است که دنیا را از جنگ جهانی سوم و کشتار جهانی نجات دهد، اما داستان خیلی پیچیده‌تر از این حرفه است. آیندگان تکنولوژی‌ای ساخته‌اند که آنتوپی یا خط زمانی اجسام را برعکس می‌کند. آنها که به دلیل تغیرات اقلیمی به پایان دنیا رسیده‌اند با استخدام فردی به نام سیتور که در زمان حال زندگی می‌کند، در تلاشند جهت زمان دنیا را تغییر دهند تا بتوان خط زمانی را تغییر داده و به حیات ادامه بدهند و این اتفاق باعث نابودی انسان‌های حال حاضر کره زمین می‌شود.

مخاطب عام در بعضی از سکانس‌ها تغییر زمان و مکان را تشخیص نمی‌دهد، یعنی مثلا در سکانسی در ابتدای فیلم قهرمان داستان در یک آزمایشگاه در یک منطقه نامعلوم قرار دارد، بدون هیچ اشاره‌ای در شات بعدی او زیر یک خانه در بمبئی قرار دارد. این قضیه باعث سردرگمی مخاطب می‌شود اما نه سردرگمی در معمای داستان در حالی که او با کنجکاوی به دنبال جواب می‌گردد، بلکه از ضعف روایت جزئیات داستان فیلم!

بازیگری فیلم راضی‌کننده است و آن را می‌توان حتی یکی از نکات مثبت ماجرا دانست. شیمی خوبی بین بازیگران به خصوص بین زوج جان دیوید واشنگتن و رابرت پتینسون دیده می‌شود. اما گاه بازی‌ها خصوصا در صحنه‌های آغازین فیلم کمی مصنوعی و باعث می‌شوند مخاطب نتواند با بازیگر ارتباط برقرار کند و این بدترین اتفاقی است که می‌تواند برای یک فیلم بیفتد، چراکه در صورت شکست فیلم در برقراری ارتباط با مخاطب، فیلم هرقدر هم که در زمینه تبلیغات و باقی زمینه‌ها قوی و قدر باشد، به صورت تدریجی می‌میرد و از یاد می‌رود.

تنت در باقی زمینه‌ها مثل نورپردازی، موسیقی، فیلمبرداری و...، تیم ساخت فیلم نسبتا خوب ظاهر شده و آنها تا حدودی توانسته‌اند ترک‌های داستانی را که از ضعف فیلمنامه‌نویسی نولان در آخرین ساخته‌اش می‌آید پر کنند، اما شاید نه به اندازه کافی!

در نهایت، همان‌طور که اشاره کردم، تنت شاید به دلیل پروپاگاندای رسانه‌ای و تبلیغات قبل از اکرانش و بالابردن سطح انتظارات با اسم سازندگان و تریلر و تعریف و تمجیدهای تو خالی، پس از عرضه دل هواداران را خالی کرد. با این حال نمی‌شود از اکشن و هیجان فیلم گذشت، پس تنت را نه به نیت دیدن یک شاهکار سینمایی پر معنا، بلکه به عنوان یک فیلم اکشن برای گذراندن وقت در اوقات فراغت ببینید!

یادداشتی پدیدارشناسانه بر شعری از نصرت‌ا... مسعودی از کتاب «بوی پیراهنت را پست نکردی»

متصل به مغز مطلق هیچ

امین رجبیان
روزنامه‌نگار

دانستن همان‌قدر اغراق‌آمیز و حوصله‌سربر است که اعتراف به نادانی و هر دو پرستیژهایی برای دنیای واقعی آدم‌های واقعی هستند. آدم‌هایی که فکر می‌کنند هستند بی‌آن‌که وزن هستی خودشان را حتی حس کنند یا درکی از آن داشته باشند.

هنر، ادراک هنری، موقعیت هنری، موجود شدن و در معرض هستی چیزها قرار گرفتن همه اینها بعلاوه موقعیت مکانی هنر و در معرض واقعیت اجتماعی آن بودن، نسبت‌هایی درهم تنیده‌اند. اما اگر بخواهیم شعری را در منظر خوانشی پدیدارشناختی بنشانیم، آنگاه با موضوعی متفاوت به‌سان تفاوت میان «زمان وجودی» و «زمان ظاهری» روبه‌رو خواهیم بود. برای کار هنری دو نوع مخاطب وجود دارد. مخاطب عام و مخاطب خاص. مخاطب عام تا زمانی که به مخاطب خاص تبدیل نشده باشد هنوز این شانس را دارد که در معرض این میدان قرار بگیرد و وجه تخاطب کار هنری باشد، اما مخاطب خاص چیست؟ موجود بی‌خودی که از دایره این تخاطب بیرون افتاده است. مخاطب خاص به‌علت درگیر شدن با آنچه دانش شعری‌اش می‌نامند. که در حقیقت چیزی جز توده‌ای درهم‌تنیده از باورهای شخصی و طمع ورزی‌های اجتماعی نیست. از آن میدان مغناطیسی هستی که با نیرویی گریز از مرکز، هر وجهی از بودنِ درونی، ارگانیک، غیرشخصی و شبه‌اجتماعی را به بیرون پرتاب/ تُف می‌کند، پس زده شده است. پس مخاطب حقیقی هنر کسی می‌تواند باشد که با اندکی درایت ذاتی و فهم عمومی و شرایط‌سنجی بفهمد هنوز هم می‌تواند در این میدان قرار بگیرد و این شانس را دارد که در آنچه هیدگر پرتاب‌شدگی می‌نامد شرکت داشته باشد.

این سطرها به هیچ روی برای تمهید یک متن که به‌مناسبت رمزگشایی از یک شعر یا یک کتاب شعر یا کنشی شاعرانه نوشته می‌شوند مناسب نیستند، اما مناسب‌ترین استفاده‌شان در تثبیت و آرایش خود است در جاگیری و استقرارشان به‌عنوان کلماتی که لااقل سعی می‌کنند از دهان یک منتقد ادبی که مخاطب خاص شعر است، بیرون نیایند. به همین اعتبار سعی می‌کنند کمتر یاوه‌گویانه و یاوه‌پسندانه باشند.

نوشتن درخصوص چیزها که به آن شعر می‌گوییم دست‌کم باید حاوی بخشی از هستی‌شناسی خاص آن چیزها باشد. به عبارتی باید بویی از آن برده باشد. «کارهنری» مخاطبش را در جایی به دام می‌اندازد یا به فنا می‌دهد که با یک فضای هم‌بافته از دو یا چند «چیز» بخشی از زبان را که هنوز برزبان نیامده است، آشکار کند. اینها ربطی به تجربه انسانی یا تداعی اعمال اجتماعی افراد ندارند، بلکه آشکارگی تفاوت‌هایی هستند که تنها در زبان و از دالان آن می‌توانند به مخاطب رخ بنمایند و تنها از راه خوانش آن «کار» ممکن خواهند شد و تداوم خواهند یافت. از همین روست که کار هنری را محل استقرار حقیقت و منشأ ایجاد و تداوم هستی می‌دانند.

این تفاوط میان چیزهای موجود در شعر هیچ نسبتی با آن تفاوت دوالیستی/ باینری و روتینی که میان هر واقعیتی با واقعیت دیگر می‌تواند تشخیص داده شود ندارد، بلکه تفاوتی است که لحظه آغازش در کار هنری رقم می‌خورد و حاصل نوعی اضطراب وجودی است. اضطراب ناشی از مرگ یا زمانی که دیگر نباشیم. تفاوتی که با ایجادش یک فضای جدید به فضاهای موجود در هستی پیش‌زیسته ما اضافه می‌شود.

«چیز» اول در شعر، نت است. شعور مجازی و جمعی و جهانی سیالی که جای عقول خیراندیش و متعالی را در جهان ما گرفته است. منشأ آگاهی‌های سطحی و موقتی. هیچ‌انگاری ناشی از جهانی آشفته و سرشار از اطلاعات و دانستن‌هایی که راه به تاریکی می‌برند.

و «چیز» دوم پلک‌های بسته‌ای است که در شتک باد و خاک دارند محو می‌شوند. پلک‌های خواب‌گرفته نشان از غیاب وضعیت امروزین است. خواب غیاب بیداری است و بیداری غفلت از زمان (زمان وجودی/ تاریخ). غفلت از رویدادهای که توز/گرد قدمت بر آنها نشسته است و خاک فراموشی گرفته‌اند.

نیازی نبود به کلمه و کلام و تصویر/ اما دانستن را نمی‌دانستم که در سایه برج‌ها/ روزی به ته تاریک معرفت می‌بازم...

در حقیقت همچنان‌که سایمون کریچلی می‌گوید، اندیشیدن و فهمیدن درواقع سلطه و تسلط بر «دیگری» است و تصاحب کردن و از آن خود کردن دیگری. معشوقی هم که در شعر جاخوش کرده هم بافته این فضای دوگانه است. یکی معشوقی است که با چشم‌های بسته در یک قاب آرکائیک تصور می‌شود و شاعر را به دانایی مطلق و یگانه سرزمین موعود می‌برد و آن یکی معشوق دیگر که از دست رفته، جست‌وجو شده در نت، به‌دست نیامده هنوز و گمراه در آغوش دیگری است که شاعر از هردو دل شُسته و به خاطراتش پناه برده است.

این تقلیل «دیگری» به «خود» فرآیندی است که خواست شعر بر آن قرار گرفته است، اما الگوی سرایش و پردازش معانی در شعر تقدیر شعر را به روایتی پست‌مدرن که همانا تقدیر، اضطراب و جدایی است نزدیک‌تر می‌کند. این فراروی از بافت مدرن روایت و بی‌سرانجامی است که درنهایت شعر را به سرانجام می‌رساند.

ادبیات در اشکال مدرنیستی آن همواره دچار نوعی «خودی‌محوری» و مرزبندی با دیگری است، اما در این شعر مسعودی انتخاب میان معشوق خودی و معشوق بیگانه در پرانتز می‌ماند و در هاله‌ای از تردید رها می‌شود و شعر فراتر از منطق قطبی متعارف عمل می‌کند. در دگردیسی مفهوم «تفاوت» نزد «دریدا» نیز مولفه‌ها و تعاریفی چون مرز، قطبیت و رابطه دوالیستی خودی، دیگری بازتعریف و منقلب می‌شوند. دیگر اثری از یک خودی محض یا دیگری محض نیست حضور دیگری در متن به‌صورت ردپا (مکمل) پیگیری می‌شوند. معناهای خودی و دیگری با به تعویق افتادن (در محور زمان) و دگردیسی (در محور مکان) در هم آمیخته و تبدیل می‌شوند.

این فضای میانی و متفاوت میان این دو چیز است که شعر را مثل پاندول ساعت در یک سرگشتگی مدام و آمیخته با وهم در میان دو قطب به حرکت در می‌آورد. یک قطب واقعیت مجازی روزانه و قطب دیگر دنیای رازآمیز خواب آلوده‌ای که در سایه برج‌های بلند نقاشی شده است. این فضا که زاده اضطراب جهان زیسته شاعر است، نشانگر خستگی روحی کسی است که در تقدیر اگزیستانسیالیستی‌اش گرفتار آمده راهی به سوی مینیاتورهای قدیمی با تصاویری نغز از شعر حافظ باز می‌کند و معشوقش را با شعرهای حافظ دست به‌دست می‌دهد.

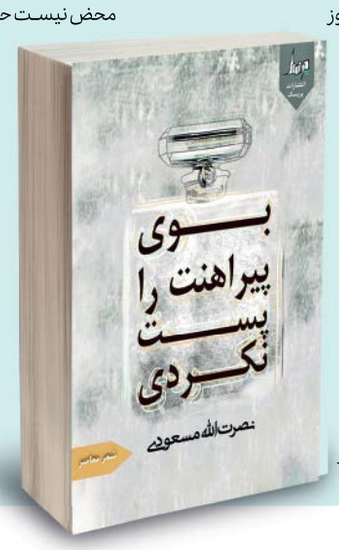

بزرگان صنعت خرده‌فروشی در نمایشگاه «ایران ریتیل شو» گرد هم می‌آیند

دومین نمایشگاه تخصصی بین‌المللی مراکز خرید، مجتمع‌های تجاری، رویکردهای نوین صنعت خرده‌فروشی و صنایع وابسته ۵ تا ۸ دی‌ماه سال جاری در مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران با رعایت کلیه پروتکل‌های بهداشتی برگزار خواهد شد.

مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران از ۵ تا ۸ دی‌ماه امسال میزبان برگزاری دومین نمایشگاه تخصصی بین‌المللی مراکز خرید، مجتمع‌های تجاری، رویکردهای نوین صنعت خرده‌فروشی و صنایع وابسته خواهد بود. با توجه به شیوع موج جدید ویروس کرونا و لزوم حفظ سلامت بازدیدکنندگان و تیم اجرایی، این نمایشگاه با مجوز رسمی از ستاد ملی مبارزه با کرونا با رعایت کلیه پروتکل‌های بهداشتی و با حضور مدعوین محدود و متخصصان این حوزه با دعوتنامه و بدون بازدیدکنندگان عام برگزار خواهد شد. با توجه به آثار منفی شیوع بیماری کرونا بر اقتصاد جهانی و داخلی، صنعت خرده‌فروشی در روزهای سخت اخیر با افزایش اشتغالزایی و ایجاد شکوفایی اقتصادی توانسته عملکرد قابل قبولی در عرصه صنعت و اقتصاد در سطح کشور داشته باشد که با برگزاری این نمایشگاه می‌توان حاصل این اقدامات را مشاهده کرد.

این رویداد تخصصی اقتصادی و صنعتی پس از تجربه موفق اولین دوره خود که با استقبال و تحسین متخصصان این حوزه برگزار شد، در دومین دوره با حضور استارت‌آپ‌های مرتبط با این صنعت، فروشگاه‌های معتبر اینترنتی، طراحان نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای فروشگاهی، مراکز خرید در حال ساخت، شرکت‌های بهره‌بردار، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و... آغاز به‌کار می‌کند. همچنین نمایش توانمندی‌های داخلی در حوزه اقتصادی و صنعتی، نمایش دستاوردهای راه‌اندازی باشگاه مشتریان و آثار رشد فروش مجازی با توجه به شرایط شیوع بیماری کرونا از مهم‌ترین رویکردهای برگزاری این نمایشگاه تخصصی است. انتقال تجربیات داخلی و بین‌المللی و همفکری پژوهشگران و دست‌اندرکاران صنعت مذکور و شرکت‌های فعال در این حوزه از جمله اهدافی است که برگزاری این نمایشگاه تخصصی دنبال می‌کند.

همچنین تربیت نیروی انسانی در حوزه‌های توزیع مویرگی، توجه به کیفیت خدمات، توجه به رویکردهای نوین این صنعت و تعامل با تجربه‌ها و دستاوردهای جهانی در زمینه خرده‌فروشی بخشی از دستاوردهای این نمایشگاه خواهد بود و استفاده از سیستم‌های کنترل کیفی محصول عرضه‌شده و در نهایت ایجاد فضای تفریحی، برای گذراندن مدت بیشتری از وقت مشتریان در محوطه فروشگاه‌ها و جلب رضایت مراجعین در زمره اولین اهدافی است که هنگام برگزاری چنین رویدادهایی مورد توجه فعالان این حوزه قرار می‌گیرد.

ناکامی‌های متعدد در حوزه صنعت خرده‌فروشی در دوران کرونا حتی در کشورهای توسعه‌یافته، ضرورت اهمیت به‌روزرسانی داده‌ها در حوزه خرده‌فروشی‌های مدرن را در قالب برگزاری چنین نمایشگاه‌های تخصصی بیش از پیش نمایان می‌کند.

فروشگاه‌های آنلاین و زنجیره‌ای خرده‌فروشی برآمده از تحولات اخیر در عرصه تجارت جهانی و دگرگونی در اصول اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد بازار است که خود متکی به بهبود استانداردهای زندگی در عصر جدید و دوران پساکروناست.

با توجه به شرایط موجود در واقع آنچه در رویدادهای مرتبط با خرده‌فروشی در کشور ما حائز اهمیت است تلاش برای فرهنگ‌سازی و متناسب‌سازی الگوهای زیست ایرانی با معیارهای استاندارد جهانی است. فرآیندی که می‌تواند در شرایط آرمانی به جهانی‌سازی خرده‌فروشی ایرانی نیز منتهی شود.

گفتنی است این نمایشگاه که در تقویم نمایشگاه‌های بین‌المللی گنجانده شده است، به همت «شرکت تجارت‌طلایی نیک‌روش» برگزار می‌شود و می‌تواند بستری مناسب برای تبادل اطلاعات فنی، بازرگانی و آشنایی هرچه بیشتر صاحبان و مدیران مراکز خرید، مجتمع‌های تجاری، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و برندهای برتر صنوف مختلف و صنایع وابسته باشد.